

بررسی پدیده رمزگردانی با نگاهی به گفتار دوزبانه‌های ارمنی - فارسی تهرانی

مریم‌سادات غیاثیان^۱

دانشگاه پیام نور

حکیمه رضایی^۲

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور

چکیده

در جوامعی که بیش از یک زبان در آنها وجود دارد، شاهد تماس یا برخورد زبان‌ها به شکل‌های مختلف هستیم. از جمله پیامدهای برخورد زبانی، رمزگردانی است که به استفاده متناوب از دو یا چند زبان، در یک پاره‌گفتار، گفته می‌شود. افراد دوزبانه غالباً در حین گفت‌وگو از زبانی به زبان دیگر روی می‌آورند. یکی از جوامع دوزبانه در ایران را دوزبانه‌های ارمنی - فارسی تشکیل می‌دهند. مقاله حاضر به بررسی پدیده رمزگردانی در دوزبانه‌های ارمنی - فارسی تهرانی می‌پردازد. این بررسی بر اساس داده‌هایی است که از ده ساعت مکالمات روزمرهٔ آرامنهٔ تهرانی گردآوری شده است. در بررسی رمزگردانی برون‌جمله‌ای، از دیدگاه بلوم و گامپرز (۱۹۷۲)، و در بررسی رمزگردانی درون‌جمله‌ای از مدل میرز - اسکاتن (۱۹۹۳، ۲۰۰۲) استفاده شده است. نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که در مکالمات دوزبانه‌های ارمنی - فارسی تهرانی به زبان ارمنی، رمزگردانی از هر دو نوع اتفاق می‌افتد و رمزگردانی درون‌جمله‌ای از بسامد بسیار بالایی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: زبان ارمنی، زبان فارسی، برخورد زبانی، دوزبانگی، رمزگردانی.

1. m_ghiasian@pnu.ac.ir

2. hakimeh.rezayi@gmail.com

۱- مقدمه

جوامع مختلف انسانی، بنا بر دلایل مختلف مانند جنگ، استعمار، مهاجرت و... باهم در تماس و برخوردند و در نتیجه، زبان آنها نیز در تماس باهم قرار می‌گیرد. اصطلاح تماس یا برخورد زبانی^۱ را می‌توان به اشکال مختلف تماس دو زبان و تأثیرگذاری آنها بر یکدیگر تعبیر کرد و نتایج و جنبه‌های گوناگونی مانند قرض‌گیری زبانی، تداخل^۲ زبانی و دوزبانگی^۳ برای آن قایل شد. هرگاه دو جامعه زبانی با یکدیگر در تماس و برخورد قرار گیرند، بسته به دلایل برخورد و نوع آن، ممکن است عناصری از دو زبان به یکدیگر نفوذ کنند، بخشی از گویندگان هر زبان، زبان دیگر را بیاموزد و به این ترتیب دوزبانه شود، یکی از دو زبان، بنابه دلایل مختلفی، حذف شود یا زبان سومی از برخورد دو زبان حاصل شود (مدرسی، ۱۳۸۷: ۵۳).

در کشور ما نیز دوزبان‌های زیادی وجود دارند که از جمله آنها می‌توان به دوزبان‌های ارمنی - فارسی اشاره کرد. از جمله پیامدهای برخورد زبانی میان زبان های ارمنی و فارسی، رمزگردانی و رمزآمیزی است. در مکالمات ارمنی دوزبان‌های ارمنی - فارسی ایران، واژه‌ها و ترکیبات زیادی، از طریق رمزگردانی، از زبان فارسی، که به واسطه برتری سیاسی و فرهنگی، زبان غالب به شمار می‌رود، وارد زبان ارمنی شده است، که به صورت رمزگردانی و گاهی قرض‌گیری در زبان ارمنی به کار می‌روند. در این مطالعه بر آن بوده‌ایم تا به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که در مکالمات ارمنی دوزبان‌های ارمنی - فارسی ایران چه نوع رمزگردانی اتفاق می‌افتد؟ و علت رمزگردانی در این نوع مکالمات چیست؟ در این مقاله، رمزگردانی، در مکالمات ارمنی دوزبان‌های ارمنی - فارسی از دوجنبه دستوری و جامعه‌شناختی بررسی می‌شود. به این منظور ابتدا تعریف مختصری از رمزگردانی آورده و بعد از آن به تحلیل داده‌های مورد نظر پرداخته می‌شود. این بررسی بر اساس ضبط ۱۰ ساعت از مکالمات غیررسمی دوزبان‌های ارمنی - فارسی صورت گرفته است. این مکالمات در دو بافت کلاس درس، مکالمات میان دانش‌آموزان و معلم و همچنین در قهوه‌سرا و در جمع گروهی از ارمنه، که درباره موضوعات مختلف به زبان ارمنی صحبت می‌کردند، صورت گرفته است. در زمان ضبط داده‌ها، محدوده سنی دانش‌آموزان ۱۷- ۱۵ سال، معلم کلاس ۲۵ سال و ارمنه حاضر در قهوه‌سرا ۳۰- ۲۷ سال بوده است. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیلی-

-
1. linguistic contact
 2. borrowing
 3. interference
 4. bilingualism

توصیفی استفاده شده است. بر اساس تقسیم‌بندی موضوعی، این مقاله را می‌توان جزو پژوهش‌های بنیادی قرار داد.

۲- مباحث نظری

این بخش به بیان مباحث نظری در خصوص رمزگردانی و انواع آن اختصاص دارد. رمزگردانی، استفاده از دو یا چند زبان در طول یک پاره‌گفتار یا جمله است. این تغییر رمز ممکن است بین گویندگان، بین پاره‌گفتارها در گفتار یک نفر یا در طول یک پاره‌گفتار یا جمله اتفاق افتد (ون دالم^۱، ۲۰۰۷: ۱). افراد دوزبانه غالباً در حین گفت‌وگو از زبانی به زبان دیگر روی می‌آورند. این نوع رمزگردانی (منظور از رمز، هریک از زبان‌هاست) ممکن است در بین جملات، در داخل جملات و درون شبه‌جمله‌ها، واژگان و حتی در میان بخش‌هایی از لغات صورت گیرد (اسپالسکی^۲، ۱۹۹۸: ۶۸). بر این اساس دو نوع رمزگردانی وجود دارد: رمزگردانی درون‌جمله‌ای^۳ و رمزگردانی برون‌جمله‌ای^۴. در نوع اول، رمزگردانی بین زبان‌ها، درون گزاره‌ها یا حتی کلمات رخ می‌دهد. این نوع رمزگردانی از دیدگاه دستوری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نوع دوم، رمزگردانی بین جملات و گزاره‌ها صورت می‌گیرد، به طوری که یک جمله یا گزاره از یک زبان و جمله یا گزاره بعدی از زبان دیگر است و برای بررسی این نوع رمزگردانی از دیدگاه جامعه‌شناختی استفاده می‌شود.

در رابطه با رمزگردانی، باید در نظر داشت که برخی افراد بین رمزگردانی درون‌جمله‌ای و رمزآمیزی^۵ تفاوت قایل‌اند، در صورتی که برخی دیگر رمزآمیزی را به‌عنوان نام دیگر برای رمزگردانی درون‌جمله‌ای و با همان تعاریف و ویژگی‌ها به‌کار برده‌اند. از جمله افرادی که به این تفاوت اشاره کرده‌اند، هامرز^۶ و بلانک^۷ (۲۰۰۰) هستند. آنها رمزآمیزی را نوعی رمزگردانی می‌دانند که در آن یک عنصر از زبان "الف" در یک پاره‌گفتار از زبان "ب" قرار گرفته باشد، در حالی که زبان "ب"، به طور مشخص، زبان غالب باشد. اسپالسکی (۱۹۹۸: ۶۹) همچنین اشاره

-
1. O. V. Dulm
 2. B. Spolsky
 3. intra-sentential
 4. inter-sentential
 5. code mixing
 6. J. F. Hamers
 7. H. A. Blanc

می‌کند که مهاجران، به این دلیل که بسیاری از مخاطبان آنها به هر دو زبانی آشنایی دارند، اغلب واژه‌های متعددی از زبان جدید را در داخل زبان قبلی خود به کار می‌برند. در چنین موقعیت‌هایی، افراد دوزبانه غالباً زبان‌ها را با یکدیگر درمی‌آمیزند و رمزی ترکیبی را به وجود می‌آورند. در چنین مواردی لازم است تفاوت میان رمزگردانی در دوزبان و رمزآمیزی مشخص شود. از طرفی مک کورمیک^۱ (۱۹۹۵: ۱۹۴)، رمزگردانی را شامل تناوب عناصر بزرگ‌تر از یک جمله و رمزآمیزی را شامل عناصر کوتاه‌تر و اغلب تک‌کلمه‌ای می‌داند.

تفاوتی دیگر، که در تعریف رمزگردانی باید در نظر داشت، تفاوت رمزگردانی با تداخل است. واین‌رایش^۲ (۱۹۵۳: ۱)، تداخل را نمونه‌هایی از انحراف از هنجارهای هر یک از زبان‌ها می‌داند، که در گفتار دوزبانه‌ها اتفاق می‌افتد و نتیجه آشنایی آنها با بیش از یک زبان است. در حالی که گروسجین^۳ (۱۹۸۴: ۲۹۹) پیشنهاد می‌دهد که تداخل متضمن تأثیر غیرارادی یک زبان بر زبان دیگر است. نکته‌ای که در اینجا باید در نظر گرفته شود این است که رمزگردانی معمولاً به‌عنوان رفتاری ارادی در نظر گرفته می‌شود که دوزبانه‌ها بر آن کنترل دارند، در حالی که تداخل به صورت غیرارادی اتفاق می‌افتد و حاصل تأثیر یک زبان بر زبان دیگر است. گروسجین همچنین اشاره می‌کند که تفاوت تداخل و رمزگردانی در مکالمه بین دوزبانه‌ها و تک‌زبان‌ها قابل تشخیص است. در این مکالمات دو زبانه‌ها به صورت آگاهانه سعی می‌کنند از رمزگردانی جلوگیری کنند، تا مانعی در برقراری ارتباط ایجاد نشود، اما نمی‌توانند از تداخل، که به صورت ناآگاهانه رخ می‌دهد، جلوگیری کنند.

۲-۱- رمزگردانی از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان

اولین مطالعات صورت گرفته درباره رمزگردانی، بررسی این پدیده بر اساس فاکتورهای اجتماعی بوده است. یکی از نخستین تحقیقات در امریکا، در رابطه با انتخاب زبان و رمزگردانی، مربوط به بارکر^۴ (۱۹۴۷) است که به توصیف رمزگردانی در میان مکزیکی-امریکایی‌ها در توسان آریزونا پرداخته است. وی علاوه بر ارائه تحلیلی از روابط اقتصادی، شبکه‌های اجتماعی و جغرافیای اجتماعی شهروندان توسان، تلاش می‌کند به این سؤال پاسخ دهد که چگونه دوزبانه‌ها در یک

1. K. McCormick
2. U. Weinreich
3. F. Grosjean
4. G. Barker

موقعیت از یک زبان و در موقعیت دیگر از زبانی دیگر استفاده می‌کنند (نقل از نایلب^۱، ۲۰۰۶: ۴). بارکر می‌گوید که تعامل و ارتباط میان اعضای خانواده و افراد نزدیک، به زبان اسپانیایی صورت می‌گیرد، در حالی که در موقعیت رسمی از زبان انگلیسی استفاده می‌شود (اگرچه هر دو طرف قادر به درک زبان اسپانیایی هستند). وی معتقد است که در موقعیت‌هایی که زیاد مشخص و تعیین شده نیستند، انتخاب زبانی، ثبات کمتری دارد و عناصر از هرکدام از زبان‌ها می‌توانند انتخاب شوند. بارکر همچنین اشاره می‌کند که افراد جوان‌تر نسبت به افراد مسن، تمایل بیشتری به استفاده از چند زبان در ارتباط دارند.

اما یکی از مهم‌ترین پایه‌های تحقیق در رمزگردانی، توسط واین‌رایش (۱۹۵۳: ۸۷) صورت گرفته است. او تأثیر برخورد زبانی بر زبان را بررسی کرده و همچنین به توصیف فعالیت‌های جوامع گفتاری در دوزبانه‌ها می‌پردازد. واین‌رایش می‌گوید که توصیف بارکر از دوزبانه‌های توسان ناکافی بوده است، زیرا او تنها ۴ موقعیت گفتاری، یعنی گفتمان رسمی، غیررسمی، روابط نزدیک و درون‌گروهی را توصیف کرده است و این طبقه‌بندی برای همه رویدادهای گفتاری دوزبانه‌ها کافی نیست. تعریف واین‌رایش از رمزگردانی به این صورت است که به نظر او هرکدام از دوزبانه‌ها دو گونه زبان‌شناختی جداگانه در اختیار دارند که آن را در موقعیت‌های جداگانه به کار می‌برند. وی اشاره می‌کند که تغییر مکرر در استفاده از زبان، مانند آنچه بارکر درباره‌ی اهالی جوان توسان مطرح کرده است، ناشی از تربیت ضعیف آنها توسط والدین است.

بعد از واین‌رایش می‌توان به تحقیقات فرگوسن^۲ (۱۹۵۹) در این زمینه اشاره کرد. او برای نخستین بار پدیده دوزبان‌گویی^۳ (گونگونی در یک زبان واحد) را مطرح می‌کند. تحقیقات او مقدمه‌ای برای تحلیل دوزبانگی بود. فرگوسن دوزبان‌گویی را در مورد اجتماعاتی به کار می‌برد که در آنها دو گونه متمایز از یک زبان، نقش‌های متفاوتی دارند و هر یک در موقعیت‌های مختلفی به کار گرفته می‌شود. به نظر او دوزبان‌گویی عبارت است از موقعیتی معین و نسبتاً باثبات زبانی که در آن علاوه بر گونه اصلی زبان (گونه معیار یا گونه محلی معیار)، گونه‌ای بسیار متفاوت و معتبر (با ادبیات غنی و ارزش اجتماعی و فرهنگی بالا) نیز وجود دارد، که از طریق آموزش رسمی یاد داده می‌شود و در گفتار و نوشتار رسمی به کار می‌رود، اما هرگز در گفت‌وگوهای

1. Ch. Nilep
2. Ch. Ferguson
3. diglossia

معمول و عادی هیچ یک از قشرها و گروه‌های اجتماعی کاربرد ندارد (نقل از مدرسی، ۱۳۸۷: ۳۶).

البته فرگوسن به هیچ نمونه‌ای از تغییر در بین گونه‌های زبان، در داخل یک گفتمان، اشاره نکرد. توصیف وی از دوزبان‌گویی مطابق با مفهوم رمزگردانی موقعیتی^۱ است که در ادامه معرفی خواهد شد (نایلپ، ۲۰۰۶: ۵).

بی‌شک تأثیرگذارترین تحقیق صورت‌گرفته درباره رمزگردانی، از دیدگاه اجتماعی، توسط بلوم^۲ و گامپرز^۳ (۱۹۷۲) صورت گرفت. تحقیقات اولیه گامپرز در شمال هند و درباره زبان‌های هندی و گروهی از گویش‌های آن بود. گامپرز (نقل از نایلپ، ۲۰۰۶: ۷)، سه سطح را معرفی می‌کند: گویش روستایی، گویش منطقه‌ای و هندی معیار، که هرکدام ممکن است شامل گونه‌های بی‌شمار باشد که هرکدام نقش متفاوتی داشته باشند. او معتقد است بیشتر ساکنان مذکر، به خصوص آنها که نسبتاً زیاد مسافرت می‌کنند، به هر دو گویش منطقه‌ای و روستایی صحبت می‌کنند، که گویش اول را در خانه و با ساکنان دیگر و گویش دوم را در ارتباط با افرادی از محیط بیرون به کار می‌برند. بنابراین ارتباط بین سخن‌گویان بر انتخاب زبان تأثیر می‌گذارد.

گامپرز در سال ۱۹۶۳ با بلوم آشنا شد و هر دو با هم به مطالعه داده‌هایی از زبان‌های شمال نروژ پرداختند و آنها را با زبان‌های هندی مقایسه کردند. آنها در نهایت به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین دلیل برای جدایی بین گویش و گونه معیار، عوامل اجتماعی است. عوامل اجتماعی و احساسی نقش مهمی در وجه گفتاری گوینده دارد. بلوم و گامپرز (۱۹۷۲: ۴۲۱) بر این باورند که رویدادهای اجتماعی، که زیر عنوان شرکت‌کنندگان^۴، موقعیت^۵ و موضوع^۶ معرفی می‌شوند، انتخاب متغیرهای زبانی را محدود می‌کنند. به عبارت دیگر، در موقعیت اجتماعی مشخص، بعضی از شکل‌های زبانی مناسب‌تر از بقیه‌اند. برای مثال گونه‌ای از زبان که برای احوال‌پرسی در بین گروهی از مردان در یک کارگاه به کار می‌رود، با گونه‌ای که معلمان برای معرفی یک متن در مدرسه به کار می‌برند متفاوت است. پس توجه به این نکته ضروری است که رویدادهای اجتماعی متفاوت می‌توانند برای مثال شامل شرکت‌کنندگان یکسان در موقعیت یکسان باشند اما موضوع

-
1. situational code switching
 2. J. P. Blom
 3. J. J. Gumpers
 4. participants
 5. setting
 6. topic

تغییر کند. بنابراین معلمان در کلاس درس، سخنرانی و بحث را به عنوان دو رویداد اجتماعی مختلف در نظر می‌گیرند و از زبان‌های مختلف استفاده می‌کنند. آنها چنین تغییری که در آن با تغییر موقعیت اجتماعی، شکل زبانی تغییر می‌کند را رمزگردانی موقعیتی نامیدند (همان: ۴۲۴). نوع دیگر رمزگردانی، که به آن اشاره کردند، رمزگردانی استعاری^۱ است، که به استفاده از دو گونه زبانی در موقعیتی واحد گفته می‌شود. رمزگردانی استعاری با تغییر موضوع اتفاق می‌افتد و گوینده برای دستیابی به تأثیری خاص، زبان را تغییر می‌دهد. برای مثال ارتباط بین کارمندان یک دفتر اداری با مراجعان مقیم آنجا، هنگام احوال‌پرسی به گویش محلی و هنگام کار به گویش معیار صورت می‌گیرد. گامپرز (۱۹۸۲: ۷۵) رمزگردانی موقعیتی را مانند دوزبان‌گویی می‌داند، که در آن نقش خاص یک زبان، یا گونه، مشخص شده و یک زبان یا گونه خاص برای موقعیت ارتباطی خاص به کار می‌رود. برای مثال گونه رسمی در موقعیت تحصیلی به کار می‌رود، در حالی که گونه غیررسمی در بحث‌های مربوط به امور خانوادگی استفاده می‌شود. این دوزبان‌گویی با رمزگردانی استعاری، که در آن رابطه بین زبان و بافت اجتماعی پیچیده‌تر است، تفاوت دارد. در این مقاله در تحلیل داده‌ها در رمزگردانی برون‌جمله‌ای، از تقسیم‌بندی بلوم و گامپرز استفاده می‌شود.

۲-۲- بررسی رمزگردانی از دیدگاه دستوری

میرز-اسکاتن^۲ (۱۹۹۳)، با توجه به داده‌های دوزبان‌های انگلیسی-سواحیلی، مدلی برای رمزگردانی ارائه می‌کند که به آن مدل چارچوب زبان ماتریس^۳ می‌گویند. مدل میرز-اسکاتن تأثیرگذارترین مدل برای توضیح رمزگردانی از نظر دستوری است. در این مدل دو زبان وجود دارند: زبان ماتریس که زبان غالب است. تکواژهای این زبان بسامد بالایی دارند. در گفتار دوزبان‌ها از ساختار دستوری این زبان و ترتیب کلمات آن استفاده می‌شود. در واقع ساختار نحوی-ساختواژی از این زبان است. همچنین تکواژهای دستوری از این زبان انتخاب می‌شود. زبان دیگر زبان درونه‌ای^۴ است، که بسامد کلمات و تکواژهای انتخابی از آن کمتر است و

1. metaphorical switching
2. C. Myers-scotton
3. Matrix Language Frame (MLF)
4. Embedded language

تکواژه‌های واژگانی از آن انتخاب می‌شوند. در رمزگردانی هم تکواژه‌ها از این زبان وارد زبان ماتریس می‌شوند.

توجه به این نکته ضروری است که تشخیص زبان ماتریس تنها از طریق یک جمله ممکن نیست. اگر یک جمله به صورت منفرد مورد تحلیل قرار گیرد و، برای مثال، گزاره اصلی آن از یک زبان و گزاره وابسته از زبان دیگر باشد، این یک جمله، ابزار مناسبی برای تشخیص زبان ماتریس نیست. زبان ماتریس تنها در صورتی شناسایی می‌شود که جمله حاوی رمزگردانی، بخشی از یک ساخت بزرگ‌تر باشد (همان: ۶۳).

میرز-اسکاتن (۲۰۰۲)، بر اساس میزان مهارت گوینده، دو نوع رمزگردانی را معرفی می‌کند: ۱. رمزگردانی کلاسیک^۱ ۲. رمزگردانی مرکب^۲. اگر گوینده به اندازه کافی مهارت داشته باشد تا بتواند ساختار دستوری مناسب را در زبان ماتریس ایجاد کند، رمزگردانی از نوع اول اتفاق می‌افتد. از طرف دیگر، اگر گوینده دسترسی کافی به چارچوب دستوری زبان ماتریس را نداشته باشد، بخشی از ساختار ذهنی از یک زبان و بخشی دیگر از زبان دیگر وارد می‌شود، که به این نوع رمزگردانی، رمزگردانی مرکب گفته می‌شود. در واقع در رمزگردانی کلاسیک تنها یکی از زبان‌های شرکت‌کننده، مرجع ساختار نحوی- ساختواژی گفتار دوزبانه‌ها قرار می‌گیرد، در حالی که در رمزگردانی مرکب، ساختار نحوی- ساختواژی شامل هر دو زبان می‌شود.^۳

تشخیص تکواژه‌های واژگانی و دستوری^۴، در این مدل، معیار مهمی در شناسایی زبان ماتریس است. تکواژه‌های واژگانی، مانند اسم، فعل، صفت و بعضی از حروف اضافه، جنبه‌های معنایی و کاربردشناسی را بیان می‌کنند و نقش موضوعی دارند. آنها برای انتقال پیام در امر ارتباط ضروری‌اند. تکواژه‌های دستوری، مانند کلمات نقش‌مند و تصریفی، بیان‌کننده ارتباط بین تکواژه‌های واژگانی هستند و نقش موضوعی نمی‌پذیرند. وجود آنها در ایجاد چارچوب دستوری ضروری‌ست. میرز-اسکاتن به جای جمله در عبارت درون‌جمله‌ای، از گروه متمم‌نما^۵ استفاده

1. classic code-switching
2. composite code-switching

۳. بر طبق این تقسیم‌بندی، از آنجا که دوزبانه‌های ارمنی- فارسی در گفتار خود مهارت کافی در استفاده از ساختار نحوی- ساختواژی زبان ارمنی را دارند و ساختارهای دستوری استفاده‌شده همه از زبان ارمنی و بر اساس ترتیب کلمات این زبان است، و تنها تکواژه‌هایی از زبان فارسی در گزاره‌ها وجود دارند. بنابراین رمزگردانی‌ای که در این مکالمات صورت گرفته است، از نوع کلاسیک است.

۴. میرز-اسکاتن معادل‌های *system* و *content* را به ترتیب برای این دو نوع به‌کار برده است.

5. Projection of complementizer

می‌کند^۱ و معتقد است که گروه متمم‌نمای دوزبانه شامل: ۱. جزایری از زبان ماتریس که متشکل از تکواژهای زبان ماتریس و زیر کنترل دستور زبان ماتریس هستند، ۲. سازه‌های ترکیبی متشکل از تکواژهای هر دو زبان ماتریس و زبان درونه‌ای، ۳. جزایر زبان درونه‌ای که تنها از تکواژهای زبان درونه‌ای تشکیل می‌شوند و در عین حال که خوش‌ساختی آنها بر اساس دستور همان زبان است، در چارچوب زبان ماتریس جای می‌گیرند و زیر محدودیت‌های دستور زبان ماتریس هستند. حال در ادامه به بررسی گفت‌وگوهای دوزبانه‌های ارمنی و فارسی و تحلیل فرایند دوزبانگی در آنها می‌پردازیم.

همان طور که اشاره شد، از جمله مدل‌هایی که در بررسی رمزگردانی درون جمله‌ای استفاده شده است، مدل چارچوب زبان ماتریس میرز-اسکاتن است. در این مدل، که برای بررسی رمزگردانی از دیدگاه دستوری است، واحد بررسی، گزاره است. گزاره‌هایی که شامل یک یا چند تکواژ از چند زبان (در اینجا دو زبان) باشند. در رمزگردانی، در میان جملات و گزاره‌هایی، که به زبان ارمنی بیان شده‌اند، گوینده برای بیان برخی از تکواژها، تغییر رمز (زبان) داده و آن تکواژ را به زبان فارسی بیان کرده است و بعد دوباره به زبان ارمنی تغییر رمز داده است. این نمونه‌ها در میان دوزبانه‌های ارمنی-فارسی مورد بررسی، بسیار زیاد اتفاق افتاده است. برای مثال می‌توان به جملات زیر اشاره کرد^۲:

| | | | | |
|---------------|----|-----------|-------------------|---------|
| 1. /tʃem-asum | du | tʃes karo | qabeljæt-ə | tʃunes/ |
| نمی‌گم | تو | نمی‌تونی | قابلیت‌شو | نداری |

نمی‌گم تو نمی‌تونی، قابلیت‌شو نداری.

| | |
|---------|-----------------|
| 2. /esi | hæsas-a/ |
| این | حساسه |

این حساسه.

| | | | | | | | |
|-------------|------|-----|-------|-------|--------|-------|---------|
| 3. /eʃkal-ə | eta | vor | mehat | dur-a | xpum | mehat | næzdik/ |
| اشکالش | اینه | که | یکی | دور | می‌زنه | یکی | نزدیک |

اشکالش اینه که یکی دور می‌زنه یکی نزدیک.

۱. علی درزی متمم‌ساز را برای این اصطلاح وضع کرده است.
 ۳. به منظور آشنایی با همخوان‌ها و واژه‌های زبان ارمنی، فهرست حروف ارمنی و نشانه‌های آوانگار، بر اساس کتاب زبان ارمنی (J. Dam-tragut): دام تراگات (۲۰۰۹)، در پیوست آورده شده است.

| | | | |
|----------------------------------|-----------------|-------------------------------------|--------|
| 4. /omqe | fadze-`n | ts ^h ujts ^h a | talıs/ |
| عمق | فاجعه | نشون | می‌ده |
| عمق فاجعه رو نشون می‌ده. | | | |
| 5./gənat ^h ink | bongahe | moamelatı-n | asela/ |
| رفتیم | بنگاه | معاملاتی | گفته |
| رفتیم بنگاه معاملاتی گفته (است). | | | |

حال به بررسی دقیق گفت‌وگوها بر اساس مدل نظری می‌پردازیم:

۳- تشخیص زبان ماتریس و درونه‌ای در گفتار دوزبانه‌های ارمنی-فارسی

بر طبق این مدل، زبان ارمنی، زبان ماتریس است، زیرا مطابق با معیارهایی است که برای تشخیص زبان ماتریس مطرح شده است. بسامد واژه‌های این زبان بیشتر است. در گفتار دوزبانه‌های ارمنی-فارسی از ساختار دستوری و ترتیب کلمات^۱ زبان ارمنی استفاده شده است. به علاوه تکواژهای دستوری از این زبان انتخاب شده‌اند. زبان فارسی، زبان درونه‌ای است که بسامد تکواژهایی که از آن انتخاب شده‌اند کمتر است و این تکواژها اکثراً تکواژهای واژگانی هستند که در رمزگردانی از زبان فارسی وارد زبان ارمنی (زبان ماتریس) می‌شوند. البته ذکر این نکته ضروری است که، در مثال‌هایی که در ادامه ارائه می‌شوند، علاوه بر مواردی از جزایر زبان ماتریس، سازه‌های ترکیبی و جزایر زبان درونه‌ای نیز مشاهده شده است، که البته محدودند:

| | | | | | |
|---------------------|-----------------|----|------|-------|------|
| 6./ tʃem-ımanum | beləxəre | Me | Ban | kelnı | el/ |
| نمی‌دونم (منفی ساز) | بالاخره | یه | چیزی | میشه | دیگه |

نمیدونم بالاخره یه چیزی میشه دیگه.

| | | |
|--------------|-------------|-------|
| 7. /ımanumes | jəni | ıntʃ/ |
| می‌دونی | یعنی | چی |

می‌دونی یعنی چی؟

در مثال های ۶ و ۷، جملات و گزاره‌ها به زبان ارمنی بیان شده و ساختار جمله، ترتیب تکواژها و تکواژهای دستوری همه از زبان ارمنی انتخاب شده‌اند. در مثال ۶ نمونه‌ای از تکواژ

منفی‌ساز /tʃem/ مشاهده می‌شود و در هنگام رمزگردانی تنها حروف ربطِ بالاخره و یعنی (مثال ۶ و ۷)، که به‌عنوان نقش‌نماهای کلامی^۱ شناخته شده‌اند، از زبان فارسی انتخاب می‌شوند.^۲

| | | | |
|-------------|-------|------|---------|
| 8. /moʃkelɪ | tʃI | ners | ertalə/ |
| مشکلی | نداره | توش | رفتن |

رفتن توش (مغازه تبلت فروشی) **مشکلی** نداره.

در مثال شماره ۸، تکواژ واژگانی «مشکل» در کنار تکواژ دستوری «I-» نکره‌ساز فارسی به صورت یک‌پارچه وارد زبان ارمنی شده است. با توجه به اینکه حرف تعریف در این زبان، مانند همین نمونه در زبان فارسی، بعد از اسم قرار می‌گیرد، این نوع رمزگردانی تخطی از اصول دستوری و توالی عناصر زبانی را در زبان ارمنی موجب نشده است. ضمناً بر اساس مدل نظری، انتخاب چنین تکواژهای دستوری، به سبب سرعت فعال شدنشان از واژگان ذهنی، در مقایسه با سایر تکواژهای دستوری است، و میرز-اسکاتن و جیک^۳ (۲۰۰۰) از آنها به‌عنوان تکواژهای دستوری آغازین^۴ نام برده‌اند.

| | | | | |
|--------|----------|-------|------|--------|
| 9. /et | kæləme-n | tʃI | bitɪ | asenk/ |
| این | کلمه رو | نباید | | بگیم |

این **کلمه** رو نباید بگیم (بگوییم).

در مثال ۹، همان طور که مشاهده می‌شود، تکواژ واژگانی «کلمه»، از فارسی، با تکواژ دستوری «-n/» از ارمنی ترکیب شده است.

| | | | | | |
|-------------|------|---------|--------------------------|-----|---------|
| 10. /ertank | təbə | gæleksi | verts ^h ənenk | tʃe | bɪʃuxɪ/ |
| بریم | تب | گلکسی | برداریم | نه | بی‌شوخی |

بریم گلکسی تب برداریم؟ نه **بی‌شوخی**.

در مثال بالا، کل ترکیب «بی‌شوخی» در نقش قیدی تظاهر یافته و بر اساس مدل میرز-اسکاتن (۲۰۰۲: ۱۴۱)، جزایر درونه‌ای بیشتر به صورت قید تجلی می‌یابند. از نظر وی ساختار

1. discourse makers

۲. برای اطلاعات بیشتر رک غیاثیان و رضایی (۱۳۹۳).

3. J. L. Jake

4. early system morpheme

جزایر درونه‌ای به صورت یک کل و فرمول‌واره‌ای^۱ در نظر گرفته می‌شود. منظور از فرمول‌واره‌ها، واحدهای واژگانی هستند که به صورت پیش‌ساخته و یک‌پارچه در ذهن ذخیره و به همین صورت نیز بازیابی می‌شوند (ری^۲، ۲۰۰۲: ۹).

| | | |
|-------------|--------------|--------------|
| 11. /əstank | lemme | kare/ |
| اینا | لِمه | کاره |

اینا لِمه کاره.

توالی «لمه کاره» نیز در مثال بالا نمونه دیگری از جزیره درونه‌ای است که به صورت فرمول‌واره‌ای و یک‌پارچه وارد زبان ماتریس شده است.

| | | | |
|-----------------|----------------|--------------------|--------|
| 12. /gənatshink | bongahe | moamelatı-n | asela/ |
| رفتیم | بنگاه | معاملاتی | گفته |

رفتیم بنگاه معاملاتی گفته (است).

| | | | | |
|-----------|--------------|-----------------|-------|--------|
| 13. /gaza | talis | keladz-ə | vel-a | anum |
| گاز | می‌ده | کلاج | ول | می‌کنه |

گاز می‌ده کلاج رو ول می‌کنه.

در نهایت به ذکر مثال‌هایی می‌پردازیم که مانند نمونه‌های شماره ۱۳ و ۱۳ به صورت سازه ترکیبی هستند. تکواژهای واژگانی «کلاج، قابلیت، اشکال»، به ترتیب در این مثال‌ها از زبان فارسی، و تکواژ دستوری /ə/ از زبان ارمنی بوده است. ارمنی‌زبان‌ها از این تکواژ، در مثال‌های بالا، به منظور معرفه‌سازی استفاده کرده‌اند.

۳-۱- رمزگردانی برون‌جمله‌ای: بررسی رمزگردانی از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان

در داده‌های مورد بررسی در این مقاله نیز، گویندگان، گاهی بعد از گفتن جملاتی به زبان ارمنی، تغییر رمز داده و بقیه جملات را به زبان فارسی بیان می‌کنند و بعد از گفتن چند جمله دوباره به زبان ارمنی تغییر زبان می‌دهند. برای مثال در بافت کلاس درس، رمزگردانی برون‌جمله‌ای بسیار اتفاق می‌افتد. زمانی که معلم به گفتن موارد درسی پراخته، از زبان فارسی استفاده می‌کنند، اما در هنگام توضیح مطالب به زبان ساده‌تر یا هنگام پرسش و پاسخ بین معلم و دانش‌آموزان، از زبان

1. formulaic

2. A. Wray

ارمنی استفاده می‌شود. پس امکان دارد در حین گفتن مطالب درسی به توضیحی احتیاج باشد یا یکی از دانش‌آموزان سؤالی بپرسد، در این صورت جملات از زبان فارسی به ارمنی و از ارمنی به فارسی تغییر پیدا می‌کنند. مثال دانش‌آموز هنگام خواندن از روی کتاب درسی به زبان فارسی:

۱۴. HTML یک زبان صفحه آرایه وبه.

معلم هنگام بحث و گفت‌وگو:

| | | | | | |
|----------|------|------|------|---------|-------|
| 15. /xob | jæni | intʃ | sæfe | aræjije | veb / |
| خب | یعنی | چی | صفحه | آرایه | وب |

خب، صفحه آرایه وب یعنی چه؟

دانش‌آموز هنگام بحث و گفت‌وگو:

| | | | | | |
|-----------------|-------|-----------|------|----------|---------------|
| 16. /jæni | Mehat | vebsajt-i | sæfe | vor | uzumes sarkes |
| یعنی | که | وبسایت | صفحه | می‌خواهی | درست کنی |
| bærnamevisi-jov | | birdi | | start | anes/ |
| برنامه‌نویسی | | باید | | استارت | کنی |

(یعنی صفحه وب سایت که می‌خواهی درست کنی، این برنامه‌نویسی رو استارت کنی)

و مثال دیگری از کلاس درس:

معلم موقع مطرح کردن مباحث درسی:

۱۷. در اتوکد با دستور pl می‌توان خط‌های شکسته متصل کشید

دانش‌آموز در زمان سؤال پرسیدن:

| | | | |
|---------------|----|------|--------|
| 18. /karelija | Pl | jæni | intʃ/? |
| اجازه | pl | یعنی | چی |

(اجازه، pl یعنی چی؟)

معلم در پاسخ به سؤال دانش‌آموز:

| | | | | |
|-----------|------------|-------|----------|-----------|
| 19. /jæni | polilajn-ə | mehat | otokæd-i | dæstur-a/ |
| یعنی | پلی‌لاین | یه | اتوکده | دستور |

(یعنی پلی‌لاین یه دستور اتوکده)

بر اساس تقسیم‌بندی بلوم و گامپرز، این رمزگردانی جزو " رمزگردانی موقعیتی " است. یعنی زمانی که در کلاس درس کامپیوتر، معلم مباحث درسی را توضیح می‌دهد، این مکالمات به زبان فارسی انجام می‌شود. اما با تغییر موقعیت اجتماعی، یعنی با پیش‌آمدن بحث و گفت‌وگو بین معلم و دانش‌آموزان، زبان تغییر کرده و مکالمه به زبان ارمنی ادامه می‌یابد.

مورد دیگری که در این داده‌ها چندین بار اتفاق افتاد، مربوط به زمانی بود که گوینده ضمن صحبت به زبان ارمنی، هنگامی که می‌خواست از بافتی نقل روایت کند، که در آن فارسی صحبت شده بود، به زبان فارسی تغییر رمز می‌داد و آن را به همان صورت که بود به زبان فارسی بیان می‌کرد. برای مثال فرد ارمنی از زمانی صحبت می‌کند که به اداره کار رفته و با کارمند آنجا صحبت و شرایط خود را توضیح داده است:

| | | | | | | |
|-------------|-------|---------|--------|-------|-----|---------|
| 20. /mitkəs | eda | məsælæn | ertank | edare | kar | məsælæn |
| منظورم | اینکه | مثلاً | بریم | اداره | کار | مثلاً |
| asem | vor/ | | | | | |
| بگم | که | | | | | |

منظورم اینه که مثلاً بریم اداره کار. مثلاً می‌گم که:

"آقا اینا مثلاً ده ساله من دارم کار می‌کنم، پونزده ساله دارم کار می‌کنم، بیمه نشدم، عیدی و پاداشمو نگرفتم، سنوات، عیدی، پاداش نگرفتم فقط حقوق درصدی گرفتم...."

همان طور که نشان داده شد، فرد دوزبانه، در حین صحبت به زبان ارمنی، هنگامی که می‌خواهد از زمانی که در اداره کار به فارسی صحبت کرده، حرف بزند، به زبان فارسی رمزگردانی و حرفش را به همان صورت بیان می‌کند. چنین رمزگردانی که در گفتار دوزبانه‌ها بسیار وجود دارد را " رمزگردانی روایی " می‌توان نامید.

مثال دوم:

شروع مکالمه به زبان ارمنی

| | | | | | | |
|-------------|-------|-------|------|------|------|------------------------|
| 21. /ræftæm | edare | post, | xob? | asav | hala | tʃi ek ^h e/ |
| رفتم | اداره | پست | خب | گفت | هنوز | نیومده |

رفتم اداره پست، خب؟ گفت هنوز نیومده

asav:

گفت

تغییر زبان به فارسی در زمان نقل قول: "باید کد رهگیری تو ببری باجه پیگیریِ مرسولات، کد رو بدی، اونا تلفن بززن اگه جایی مونده باشه پیداش کنن".
تغییر دوباره به ارمنی:

| | | | | |
|------------|------|-----|------|--------------|
| 22. /bædæz | kani | or | der | tʃi tʃarvel/ |
| بعد از | چند | روز | هنوز | پیدا نشده |

بعد از چند روز، هنوز که پیدا نشده.

مثال سوم:

گفت‌وگو به زبان ارمنی:

| | | | |
|------------|---------------------|-------|-------|
| 23. /martə | ek ^h ela | asuma | baba/ |
| یارو | اومده | می‌گه | بابا |

یارو اومده می‌گه بابا.

تغییر زبان به فارسی در زمان نقل قول: "وضع من خرابه. چند ماهه حقوق نگرفتم، تازه می‌خوان کارخونه رو تعطیل کنن. می‌گن ورشکست شدیم".

| | | | | |
|---------------|--------|-----|--------------------|--------------------------|
| 24. /latsumer | xeqdʒə | ama | mek ^h ə | tʃer k ^h aroq |
| گریه می‌کرد | بیچاره | اما | کسی | نمی‌تونست |
| mewan | aner/ | | | |
| کاری | بکنه | | | |

گریه می‌کرد بیچاره اما کسی کاری نمی‌تونست بکنه.

در اینجا فرد، در حین گفت‌وگو به زبان ارمنی، وقتی به جایی می‌رسد که می‌خواهد حرفی را که در اداره کار، با کارمند فارسی‌زبان و به فارسی گفته، روایت کند، آن را عیناً به فارسی می‌گوید و تغییر نمی‌دهد. پس هنگام روایت آن را به همان زبانی که گفته بیان می‌کند و در گفتار خود یک تغییر به زبان فارسی انجام می‌دهد. یعنی در اینجا رمزگردانی برون جمله‌ای اتفاق افتاده و فرد تغییر رمز را بین جملات انجام داده است و "رمزگردانیِ روایی" رخ داده است. بعد از پایان روایت، گفت‌وگو دوباره به زبان ارمنی ادامه می‌یابد.

مثال چهارم:

25. /gənatɨsɨm tæmɨrga maʃɨn-ə asuma/
 رفتم تعمیرگاه ماشین می‌گه

رفتم تعمیرگاه ماشینمو نشون دادم، (یارو) می‌گه:

باید روغن موتور تو عوض کنی. صفحه‌کلاچتم مشکل داره.

26. /hala drelem əndeq mənə/
 حالا گذاشتمش اونجا بمونه

حالا گذاشتمش اونجا بمونه.

۴- نتیجه‌گیری

در این مقاله، هدف، بررسی پدیدهٔ رمزگردانی به‌عنوان یکی از نتایج برخورد زبانی، در جوامع دو یا چندزبانه، در مکالمات ارمنی دوزبانه‌های ارمنی- فارسی تهران بود. بررسی رمزگردانی درون‌جمله‌ای با دیدگاه دستوری و با نگاهی به مدل MLF میرز- اسکاتن (۱۹۹۳؛ ۲۰۰۲) صورت گرفت. رمزگردانی برون‌جمله‌ای نیز با دیدگاه جامعه‌شناسی زبان و براساس تقسیم‌بندی بلوم و گامپرز (۱۹۷۲) تحلیل شد. نتایج به‌دست‌آمده به این صورت است که در مکالمات ارمنی دوزبانه‌های ارمنی- فارسی، رمزگردانی از هر دو نوع درون‌جمله‌ای و برون‌جمله‌ای اتفاق می‌افتد. به این صورت که جملات زیادی در مکالمات ارمنی‌زبان‌ها وجود دارد، که در آنها از تکواژهای زبان فارسی استفاده شده، یعنی رمزگردانی درون‌گزاره‌ها و در طول جملات اتفاق افتاده است. رمزگردانی درون‌جمله‌ای، بسامدی بالا دارد و به این ترتیب کلمات بسیاری از زبان فارسی در مکالمات ارمنی به‌کار می‌روند. گاهی این کلمات بر اثر استفادهٔ زیاد، راحتی در تلفظ نسبت به معادل ارمنی خود، نبود معادل در زبان ارمنی و... به صورت قرض‌گیری وارد زبان ارمنی می‌شوند و به صورت بخشی از واژگان زبان ارمنی به‌کار می‌روند، که می‌توان از آنها به‌عنوان فرمول‌واره‌هایی یاد کرد که به صورت یک‌پارچه و مرکب از تکواژهای واژگانی و دستوری زبان فارسی، وارد واژگان ذهنی ارمنی‌زبانان شده‌اند. بنابراین علاوه بر نمونه‌های متعددی از جزیرهٔ ماتریس، سازه‌های ترکیبی از زبان ماتریس و درونه‌ای و همچنین جزایر زبان درونه‌ای در داده‌ها مشاهده می‌شود.

همچنین رمزگردانی برون‌جمله‌ای در مکالمات ارمنی دوزبانه‌های ارمنی-فارسی صورت گرفته و گوینده دوزبانه گاهی، بر اساس تغییر موقعیت و با هدف تأثیرگذاری بیشتر و یا با به منظور نقل‌قول مستقیم، هنگام صحبت به زبان ارمنی، به زبان فارسی تغییر رمز می‌دهد و بخشی از گفته‌های خود را به زبان فارسی بیان می‌کند.

منابع

غیاثیان، مریم و حکیمه رضایی (۱۳۹۳). "بررسی نقش‌نماهای کلامی فارسی در مکالمات دوزبانه‌های ارمنی-فارسی". *زبان‌شناخت*. ۵ (۱)، ۱۴۷-۱۲۵.
مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Blom, J. P. & Gumperz, J. J. (1972). "social meaning in linguistics structure: code-switching in Norway". In J.J. Gumperz and D. Hymes (eds.): *Directions in sociolinguistics: the ethnography of communication*. New York. New York: Holt, Rinehart and Winston, 407- 434.
- Dam-tragut, J. (2009). *Armenian*. Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Grosjean, F. (1984). *Life with two languages: an introduction to bilingualism*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Gumperz, J. J. (1982). *Discourse strategies*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hamers, J. F. and Blanc, H. A. (2000). *Bilinguality and bilingualism*. Cambridge: Cambridge University Press.
- McCormick, K. (1995). "Code-switching, code-mixing and convergence in Cape Town". In R. Mesthrie (ed.), *Language and social history*. Cape Town: David Philip Publishers, 193-208.
- Muysken, P. (1995). "Code switching and grammatical theory". In L. Mylroy and P. Muysken (eds.): *One speaker two languages*. Cambridge: Cambridge University Press, 177-197.
- Myers-Scotton, Carol (1993). *Dueling languages: grammatical structure in code switching*. Oxford: Clarendon Press.
- Myers-Scotton, Carol and J. L. Jake (2000). "Testing a model of morpheme classification with language contact data". *International journal of bilingualism*. 4(1), 1-8

- Myers-Scotton, Carol (2002). "Explaining aspect of codeswitching and their implications" In J. Nicole (ed.): *One mind, two languages; Bilingual Language Processing*. Oxford: Blackwell, 84-116.
- Myers-Scotton, Carol (2002). *Contact linguistics: bilingual encounters and grammatical outcomes*. Oxford: Oxford university press.
- Nilep, Chad (2006). "Code Switching in Sociocultural Linguistics". *Colorado research in linguistics*. vol. 19. Boulder: University of Colorado.
- Spolsky, B. (1998). *Sociolinguistics*. Oxford: Oxford University Press.
- Van Dulm, O. (2007). *The grammar of English-Afrikaans code switching: A feature checking account*. Utrecht: LOT.
- Weinreich, U. (1953). *Language in contact*. Paris: Mouton.
- Wray, A. (2002). *Formulaic language and the lexicon*. Cambridge: Cambridge University Press